

جبران خسارت دولتی ناشی از جرم در نظام حقوقی ایران و انگلستان (چالش‌ها و راهکارها)

چکیده

جبران خسارت ناشی از جرم، یکی از ارکان اصلی عدالت کیفری است که با ترمیم آسیب بزه‌دیده، به بازسازی وضعیت وی و تقویت اعتماد عمومی به نظام قضایی کمک می‌کند. مطابق اصول پذیرفته‌شده در نظام‌های حقوقی پیشرو، مسئولیت اصلی جبران خسارت بر عهده مرتکب است که موظف به جبران خسارات وارد شده می‌باشد. با این حال، در برخی موارد، بزه‌دیده به دلایلی از دریافت خسارت محروم می‌شود. در چنین مواردی، اصل حمایت از بزه‌دیده اقتضا می‌کند که دولت با بهره‌گیری از سازوکارهایی نظیر صندوق‌های حمایتی یا نظام بیمه‌ای، نسبت به جبران خسارات اقدام نماید. در حقوق ایران، پرداخت خسارت توسط بیت‌المال ماهیتی دینی دارد؛ به این معنا که بیت‌المال به‌عنوان ذمه شرعی، موظف به جبران خسارت در موارد خاص است، حتی در غیاب مجرم یا پس از فوت او. این در حالی است که در نظام حقوقی انگلستان، پرداخت غرامت توسط دولت ماهیتی حمایتی دارد و مشروط به سیاست‌های مالی و منابع دولتی است؛ به‌گونه‌ای که دولت خود را در قبال بزه‌دیدگان مدیون نمی‌داند، بلکه در چارچوب سیاست اعانه‌ای از بزه‌دیده حمایت می‌کند. این پژوهش با رویکردی تطبیقی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، به بررسی جبران خسارت دولتی ناشی از جرم می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که در حقوق ایران، علی‌رغم تأکید بر اصل لزوم جبران خسارت، نظام حمایتی دولتی محدود به شرایط خاصی نظیر عدم شناسایی مرتکب جرم، فرار او، یا ناتوانی مالی وی است. در مقابل، نظام حقوقی انگلستان دامنه گسترده‌تری از حمایت را ارائه می‌دهد و برای گروه‌های آسیب‌پذیر، با تشکیل اداره جبران خسارت دولتی (CICA)، تسهیلات ویژه‌ای در نظر گرفته است. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی، ضمن بررسی نقش دولت در جبران خسارات ناشی از جرم در نظام‌های حقوقی مذکور، چالش‌های موجود در تحقق این هدف را شناسایی کرده و در نهایت، پیشنهادهایی برای بهبود سازوکارهای جبران خسارت و رفع موانع موجود ارائه می‌دهد.

کلمات کلیدی:

جبران خسارت، چالش‌های جبران خسارت، بزه‌دیده، دولت، اداره جبران خسارت دولتی

مهم‌ترین دغدغه‌ی خاطر بزه‌دیدگان جرائم، پیش از آنکه اجرای مجازات بزه‌کار باشد، جبران خساراتی است که از رهگذر وقوع جرم متحمل شده‌اند. به همین جهت، جبران خسارت بزه‌دیده نقش بسیار مهمی در سیاست جنایی دارد و متولیان و مقامات مسئول همواره می‌کوشند برای تحقق آن، از سایر ابزارهای سیاست جنایی بهره‌ی بهینه ببرند. اینکه جبران خسارت بزه‌دیده، شرط بهره‌مندی بزه‌کار از نهادهایی همچون آزادی مشروط، تعلیق مجازات، ارجاع پرونده به میانجی‌گری کیفری، تخفیف و یا معافیت از مجازات است، و نیز اینکه جبران خسارت گاه جایگزین مجازات و گاه به‌مثابه‌ی مجازات تلقی می‌شود، شواهدی روشن بر اهمیت آن است. با وجود این، عوامل مختلفی باعث شده است که دل بستن به جبران خسارت توسط بزه‌کار در همه‌ی موارد، آرزویی عبث و امیدوی خام جلوه نماید. در نتیجه، ضرورت‌هایی ایجاب کرده است تا دولت در این زمینه مداخله کند. اما آنچه در این میان حائز اهمیت است، پی‌جویی مبانی قابل‌انکایی برای این اقدام است. به نظر می‌رسد دولت در قبال بزه‌دیدگان، مدیون نبوده و مسئولیت مدنی ندارد؛ بلکه صرفاً وظیفه دارد در راستای تحقق عدالت، به این امر اقدام نماید (حاجی ده‌آبادی، احمد). از سوی دیگر، وقوع جرم به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی، آثار زیان‌باری برای بزه‌دیده و جامعه در پی دارد؛ آثاری که نه‌تنها نظم عمومی را مختل می‌کند، بلکه بزه‌دیده را در شرایط نابهنجاری قرار می‌دهد. این وضعیت می‌تواند آثار روانی، جسمی و اقتصادی جبران‌ناپذیری برای فرد بزه‌دیده ایجاد کند. از این رو، عدالت کیفری اقتضا می‌کند که با جبران خسارت‌های ناشی از جرم، وضعیت بزه‌دیده تا حد امکان به شرایط پیش از وقوع جرم بازگردانده شود و اثرات زیان‌بار جرم خنثی گردد. در این میان، بزه‌کار به‌عنوان عامل اصلی ارتکاب جرم، باید مسئولیت جبران خسارت‌های ناشی از اعمال مجرمانه‌ی خود را بر عهده بگیرد. با این حال، در بسیاری از موارد، بزه‌کار به دلایلی مانند ناتوانی مالی، نداشتن اموال کافی، نداشتن اراده‌ی قاطع برای جبران خسارت، فرار از مسئولیت یا حتی فوت، قادر به پرداخت خسارت‌های بزه‌دیده نیست. در چنین شرایطی، نقش دولت در جبران خسارت‌های ناشی از جرم اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. دخالت دولت در این حوزه، یکی از جلوه‌های حمایت اجتماعی از بزه‌دیدگان محسوب می‌شود؛ حمایتی که به‌ویژه در مواردی که بزه‌دیده به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی، قادر به بازگشت به وضعیت عادی خود نیست، اهمیتی دوچندان می‌یابد. در بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان، دولت‌ها از طریق نهادهای خاصی به جبران خسارت‌های ناشی از جرم می‌پردازند تا ضمن حمایت از بزه‌دیدگان، اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری نیز افزایش یابد.

در این راستا، کشورهای ایران و انگلستان هر یک سازوکارهایی را برای جبران خسارت بزه‌دیدگان پیش‌بینی کرده‌اند که مطالعه تطبیقی آن‌ها می‌تواند به شناخت دقیق‌تر نقاط قوت و ضعف این نظام‌ها کمک کند. در نظام حقوقی ایران، دو نهاد اصلی برای جبران خسارت‌های دولتی ناشی از جرم پیش‌بینی شده است:

۱. بیت‌المال: در مواردی که جانی ناشناخته باشد، توانایی پرداخت دیه^۱ را نداشته باشد یا فوت شده باشد، بیت‌المال مسئولیت جبران خسارت را بر عهده می‌گیرد.

۲. صندوق تأمین خسارت‌های بدنی: این صندوق، که به موجب قانون بیمه شخص ثالث تشکیل شده است، مسئول جبران خسارت‌های بدنی ناشی از تصادفات و برخی جرائم است. هدف این نهاد، حمایت از بزه‌دیدگانی است که به هر دلیل نتوانسته‌اند خسارت خود را از بزه‌کار دریافت کنند.

در انگلستان، دولت از طریق اداره جبران خسارت دولتی (CICA)^۲ به بزه‌دیدگان کمک می‌کند. این نهاد به عنوان معادل نهاد بیت‌المال در ایران عمل کرده و از طریق پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرائم خشونت‌آمیز، تلاش می‌کند تا تعادل از دست رفته را بازگرداند. در این نظام، فرآیند دریافت غرامت دارای شرایط و معیارهای خاصی است که در این پژوهش بدان خواهیم پرداخت.

در این پژوهش، به تحلیل و پاسخگویی به سؤالات اساسی زیر پرداخته می‌شود:

۱. در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، دولت تحت چه شرایطی مکلف به پرداخت خسارت ناشی از جرم می‌شود، و این مسئولیت بر چه مبانی حقوقی یا دینی استوار است؟

۲. چه تفاوت‌هایی در ساختار نهادی و فلسفه پرداخت خسارت دولتی ناشی از جرم بین دو کشور وجود دارد، و این تفاوت‌ها چه تأثیری بر دسترسی افراد زیان‌دیده به جبران خسارت مؤثر دارد؟

۳. نقش نهادهای مسئول مانند بیت‌المال، صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، CICA و MIB در عمل چگونه ارزیابی می‌شود، و چه چالش‌هایی در کارکرد و پوشش حمایتی آن‌ها دیده می‌شود؟

۴. چه خلأهای قانونی یا ساختاری در نظام جبران خسارت دولتی ایران وجود دارد و چگونه می‌توان با الگوبرداری تطبیقی، بسترهای قانونی و اجرایی آن را اصلاح و تقویت کرد؟

با توجه به نقش اساسی دولت‌ها در حمایت از بزه‌دیدگان، بررسی تطبیقی نظام‌های حقوقی مختلف می‌تواند در ارائه راهکارهای مناسب برای بهبود سازوکارهای جبران خسارت در ایران مؤثر باشد. این پژوهش با تحلیل تطبیقی دو نظام حقوقی ایران، انگلستان تلاش می‌کند تا نقاط قوت و ضعف هر یک را شناسایی کرده و راهکارهایی برای بهبود حمایت از بزه‌دیدگان ارائه دهد.

۱. دیه نه مجازات است، نه جبران خسارت و نه تلفیقی از این دو، بلکه ماهیت آن بدل از رضایت است در این دیدگاه دیه ماهیت شرعی ندارد بلکه ماهیت کاملاً عرفی دارد که شرع بدون تغییر ماهیت آن را امضا کرده است در کارکرد عرفی، دیه در قدم اول مالی است که برای جلب رضایت مجنی علیه و اولیای دم پرداخت می‌شود تا آتش نزاع و کینه خاموش شود. در عین حال، التیامی بر بعضی زخم‌ها و جبران برخی خسارت‌های آن‌ها نیز می‌شود. مطابق این دیدگاه دست حکومت اسلامی در تغییر میزان دیه با توجه به اقتضائات زمان باز است (حاجی ده آبادی، احمد).

با توجه به ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری دیه دو جنبه دارد: ماهوی و شکلی. دیه از جنبه ماهوی در حکم ضمان مالی است و نه ضمان مالی و از جنبه شکلی تشریفات دادرسی مطالبه دیه مبتنی بر مسئولیت کیفری ناشی از ارتکاب جرم صد در صد مصداق رسیدگی به یک دعوای عمومی طبق تشریفات آیین دادرسی کیفری است (شاهچراغ، سید حمید).

²Criminal Injuries Compensation Authority

۱. مفهوم جبران خسارت در نظام حقوقی ایران و انگلستان

جبران به معنای از بین بردن اثر خطا یا زیان از طریق اقدام جبرانی است. در حقوق، جبران خسارت به بازگرداندن وضعیت زیان دیده به حالت پیشین توسط فرد مجرم یا مسئول گفته می شود. در نظام حقوقی ایران و انگلستان، مفهوم جرم و جبران خسارت مشابه است.

جرم، کنش مثبت یا منفی مخالف نظم اجتماعی است که قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی تعیین کرده باشد. بنابراین، هر عمل ضداجتماعی جرم محسوب نمی شود، مگر آنکه قانون برای آن ضمانت اجرا در نظر گرفته باشد. در غیر این صورت، این اعمال در حوزه جرم شناسی و نه حقوق جزا بررسی می شوند (نوربها، ۱۴۰۱). وقوع جرم دو اثر منفی دارد: اخلال در نظم جامعه و نقض مقررات کیفری. مقام تعقیب به دنبال جبران آسیب به نظم عمومی است، درحالی که حقوق شهروندان نیز ممکن است مستقیماً نقض شود. دعوای مدنی و کیفری در مراجع تخصصی رسیدگی می شوند، اما در برخی کشورها زیان دیده می تواند در دادگاه کیفری، هم زمان مطالبه ضرر و زیان کند (امیریان فارسانی، ۱۴۰۱).

دعوای خصوصی در دادگاه جزایی فقط در صورت طرح دعوای عمومی قابل بررسی است. ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری اجازه می دهد زیان دیده تا پیش از ختم دادرسی دادخواست ضرر و زیان دهد، اما صدور حکم هم زمان الزامی نیست. همچنین، نتیجه یکی از دعوای لزوماً بر دیگری تأثیر ندارد و رسیدگی کیفری به دعوای حقوقی فقط در موارد استثنایی قانونی ممکن است (خالقی، ۱۴۰۲).

دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم زمانی مطرح می شود که مرتکب جرم علاوه بر ارتکاب آن، به زیان دیده خسارت وارد کند. این جرائم معمولاً علیه اشخاص یا اموال رخ می دهند، اما ممکن است تبعات گسترده تری داشته باشند. هر روشی که به جبران این خسارت ها منجر شود، جبران خسارت ناشی از جرم نامیده می شود (هرمزی و همکاران، ۱۳۹۹). جبران خسارت به معنای اصلاح و ترمیم صدمات وارده در چارچوب قوانین است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۸). این جبران باید معادل دقیق زیان باشد، بدون ایجاد فقر یا منفعت اضافی برای زیان دیده. هدف آن، بازگرداندن شرایط به وضعیت پیشین، بدون بهره مندی از غرامت بیشتر است (قسمتی تبریزی، ۱۳۹۴).

در نظام حقوقی انگلستان، جبران خسارت اصلی اساسی است که هدف آن بازگرداندن بزه‌دیده به وضعیت پیش از جرم تا حد امکان است. این خسارت‌ها شامل آسیب‌های جسمی، روانی و مالی ناشی از جرائمی مانند تجاوز، جراحت بدنی، آتش‌سوزی عمدی و بی‌احتیاطی منجر به مرگ یا جراحت می‌شود. همچنین، تهدید جان و مال دیگران، مانند ساخت و نگهداری مواد منفجره، مشمول جبران خسارت است. در هر مورد، صرف‌نظر از منشأ خسارت، جبران آن ضروری است (Mattsson, 2024).

در حقوق کیفری انگلستان، محاکم ملزم به رسیدگی به دعاوی جبران خسارت ناشی از جرم هستند، بدون نیاز به دادخواست جداگانه. در صورت عدم طرح ادعا در دادرسی کیفری، شاکی می‌تواند پس از آن یا از طریق دادگاه حقوقی اقدام کند (Edwards & Allen, 2023). برای مطالبه خسارت، درخواست باید در جریان دادرسی یا حداکثر دو سال پس از جرم ارائه شود. دولت با خدمات مشاوره‌ای و وکالتی از قربانیان حمایت کرده و مجنی‌علیه می‌تواند پیگیری را به یکی از اعضای خانواده خود واگذار کند (Edwards, 2004).

در نظام حقوقی انگلستان، جبران زیان ناشی از جرم یک اصل اساسی است که مستلزم وجود رابطه علیتی مستقیم بین جرم و آسیب وارده است. در برخی شرایط خاص، خسارت‌های غیرمستقیم نیز در صورت اثبات ارتباط منطقی و مستحکم با عمل مجرمانه قابل جبران‌اند. همچنین، در صورتی که جرم توسط صغیر یا فرد محجور ارتکاب یابد، مسئولیت جبران خسارت بر عهده والدین یا سرپرستان قانونی او خواهد بود (Hali, 2022).

۲. جایگزین‌های پرداخت جبران خسارت دولتی ناشی از جرم در نظام حقوقی ایران و انگلستان

۲-۱. بیت‌المال

در مواردی که مجرم قادر به جبران خسارت مجنی‌علیه نیست، زیان مجنی‌علیه از طریق بیت‌المال جبران می‌شود که این امر یک استثناء محسوب می‌گردد. بیت‌المال مکانی است که در آن اموال به کلیه مسلمانان تعلق دارد و باید در راستای نفع آن‌ها به صورت عدالت محور هزینه گردد (رحمانی، ۱۳۹۲).

در نظام حقوقی ایران، در صورت ورود خسارت توسط کارکنان دولت در چارچوب اختیارات قانونی، جبران آن بر عهده بیت‌المال است همچنین، در مواردی مانند عدم تمکن مالی عامل زیان، نبود عاقله، یا فرار و فوت مرتکب، بیت‌المال مکلف به پرداخت خسارت است. این حکم در قتل غیرعمد و قتل عمدی بدون امکان قصاص اجرا می‌شود (ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی). در جنایات عمدی، اگر قاتل شناسایی نشود، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود (مواد ۲۵۵ و ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲).

در همین راستا، در نظریه شماره ۷/۴۹۷۲ به تاریخ ۱۳۸۲/۰۶/۰۶ از اداره حقوقی قوه قضاییه آمده است: «چنانچه تحقیقات معموله به حد کفایت انجام پذیرد و از این جهت پرونده کامل باشد، ولی به هیچ‌وجه موجبات شناسایی متهم فراهم نشود، در این صورت با استفاده از ملاک ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی و اینکه خون مسلمان نباید هدر رود، می‌توان حکم به پرداخت دیه از بیت‌المال صادر کرد.» مفاد ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (به ویژه قسمت نخست آن) به گونه‌ای است که نظریه یاد شده با آن هماهنگ می‌باشد. این ماده همچنین قتل عمد و غیرعمد را در بر می‌گیرد (اعتمادی، ۱۳۹۵).

در صورت وقوع قتل یا خسارت بدون امکان انتساب به فرد معین، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. همچنین، اگر مأموران در حین انجام وظیفه و بدون تقصیر موجب آسیب یا قتل شوند، مسئولیت جبران خسارت بر عهده بیت‌المال است (صادقی، ۱۳۹۵). در جرائمی مانند تروریسم، در صورت فوت مرتکب و نبود اموال، خسارت قربانیان از بیت‌المال جبران می‌شود. در اسیدپاشی نیز، اگر مجرم توان مالی نداشته باشد، هزینه درمان بزه‌دیده طبق ماده ۵ قانون تشدید اسیدپاشی (۱۳۹۸) از بیت‌المال پرداخت خواهد شد.

۲-۲. صندوق تأمین خسارت‌های بدنی

یکی از نهادهای مهم در جبران خسارت ناشی از جرم، صندوق تأمین خسارت‌های بدنی است. این صندوق بر اساس ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری (۱۳۴۷) تأسیس شد و با اصلاحیه ۱۳۸۷ و قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵ دامنه مسئولیت آن گسترش یافت. این صندوق دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و در مواردی که بیمه‌گر مسئول جبران خسارت نباشد، اقدام می‌کند. همچنین، تفاوت دیه زن و مرد از طریق این صندوق جبران می‌شود. طبق تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در صورت وقوع جنایت علیه زن، مابه‌التفاوت دیه تا سقف دیه مرد از این صندوق پرداخت می‌شود، که به‌عنوان خسارت بدنی محسوب می‌شود، نه برابری شرعی دیه.

دیوان عالی کشور در رأی شماره ۷۷۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۳۱ تأکید کرد که صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مسئول پرداخت مابه‌التفاوت دیه زن و مرد در تمام جنایات، اعم از نفس، عضو و منفعت است. این رأی، اختلاف نظر موجود در محاکم را برطرف کرده و بر شمول تبصره ماده (۵۵۱) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در تمامی موارد جنایت علیه زنان تأکید دارد. ماده (۴) قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ موارد مسئولیت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را بیان می‌دارد: «در صورت وقوع حادثه و ایجاد خسارت بدنی یا مالی برای شخص ثالث ...»

ب - در صورت نبود بیمه‌نامه معتبر یا شمول یکی از موارد ماده (۲۱) قانون بیمه اجباری، صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مسئول جبران خسارت‌های بدنی است. در این موارد، زیان‌دیده یا قائم‌مقام وی می‌تواند دعوی را علیه راننده مسبب حادثه و صندوق مطرح کند.

ماده (۲۱) قانون مزبور نیز بیان می‌دارد: «به‌منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون، قابل پرداخت نباشد، یا به‌طور کلی خسارت‌های بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه‌گر مطابق مقررات این قانون است، به استثنای موارد مصرح در ماده (۱۷)، توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارت‌های بدنی جبران می‌شود.»

بر این اساس مشاهده می‌شود که مسئولیت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در جبران خسارت‌های ناشی از حوادث رانندگی در این موارد است:

الف - عامل ورود خسارت فاقد بیمه‌نامه بوده یا بیمه‌نامه وی منقضی یا باطل شده باشد؛

ب - پوشش مبلغی بیمه‌نامه به سبب افزایش مبلغ ریالی دیه نتواند تمام خسارات بدنی وارده را جبران نماید؛

ج - شرکت بیمه‌گر با تعلیق یا لغو پروانه فعالیت مواجه شده یا حکم توقف یا ورشکستگی آن صادر شده باشد.

قانون‌گذار تصریح کرده است که تمام خسارت‌های بدنی ناشی از حوادث رانندگی که به هر دلیلی تحت پوشش بیمه‌گر نیست، توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی جبران می‌شود. این حکم کلی، تمامی مواردی را که شرکت‌های بیمه مسئولیتی در قبال آن ندارند، شامل می‌شود. صندوق مذکور مکلف به جبران کامل خسارت است تا حداکثر حمایت از زیان‌دیدگان را تأمین کند (عبادی بشیر، ۱۴۰۲).

در حقوق انگلستان، از سال ۱۹۴۶ قربانیان وسایل موتوری که زیان‌زننده آن‌ها فرار کرده، فوت نموده یا قادر به پرداخت خسارت نیست را مورد حمایت قرار می‌دهد. تمام شرکت‌های بیمه در انگلستان موظف‌اند عضو اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری باشند و برای تأمین هزینه‌های این صندوق، ۳۰ پوند به ازای هر بیمه‌نامه پرداخت کنند. این اداره خساراتی را که زیان‌زننده قادر به جبران آن نیست، پوشش داده و با دولت قراردادهایی برای حمایت از قربانیان منعقد می‌کند. همچنین، خسارت‌های ناشی از وسایل نقلیه فاقد بیمه را جبران می‌نماید (Deakin & Markesinis, 2008, p. 68).

در سال ۲۰۱۵، دفتر بیمه‌گران موتور (MIB)^۲ قرارداد رانندگان بیمه‌نشده (UDA)^۳ را برای اجرای دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا معرفی کرد، اما به دلیل نواقص قانونی و ناسازگاری با حقوق مشترک مورد انتقاد قرار گرفت. در سال ۲۰۱۷، توافق‌نامه‌ای تکمیلی ارائه شد، اما همچنان مشکلات اساسی قرارداد اولیه را برطرف نکرد. بر اساس نظریه فولر درباره شکست در قانون‌گذاری، وزیر حمل‌ونقل باید این قرارداد را بازنگری کند تا ناهماهنگی‌های موجود و مغایرت‌های حقوقی میان بریتانیا و اتحادیه اروپا برطرف شود. (Ferris & Marson, 2017)

پارلمان بریتانیا با تصویب قانون وسایل نقلیه خودکار و الکتریکی^۴ تلاش کرده است تا به‌طور پیشگیرانه، چارچوبی قانونی برای جبران خسارت ناشی از تصادفات وسایل نقلیه خودران ایجاد کند. این قانون پاسخی به این واقعیت است که مدل‌های سنتی مسئولیت در تصادفات رانندگی، که عمدتاً بر مبنای تقصیر راننده انسانی بنا شده‌اند، در مورد خودروهای خودران کارایی ندارند. پیش‌تر، قوانین مربوط به مسئولیت مدنی و بیمه، به‌ویژه در حوزه مسئولیت در تصادفات رانندگی، با ظهور وسایل نقلیه موتوری دستخوش تغییرات بنیادینی شده بودند. اکنون نیز با گسترش فناوری وسایل نقلیه خودران، نظام

^۱- دفتر بیمه‌گران موتور (MIB) در بریتانیا از سال ۱۹۴۶ برای جبران خسارات تصادفات رانندگی در شرایطی که راننده بیمه ندارد یا شناسایی نشده است، فعالیت می‌کند. این نهاد، برخلاف سایر سازمان‌های رسمی، تحت چارچوب قانونی مصوب پارلمان عمل نکرده و از طریق توافق‌نامه‌های اجرایی با دولت مدیریت می‌شود. MIB با انتقادات متعددی روبرو بوده است: ۱- نبود شفافیت در توافقات، که بدون نظارت پارلمانی انجام می‌شوند. ۲- سخت‌گیری در پرداخت غرامت به قربانیان، خصوصاً در موارد تصادف با راننده متواری. ۳- چالش‌های قانونی پس از برگزیت، زیرا برخی مقررات اتحادیه اروپا دیگر بر فعالیت‌های MIB اعمال نمی‌شوند. (Channon, 2020)

MIB یک صندوق تضمین جبران خسارت است، موسسه‌ای که در سایر کشورهای اروپایی نیز وجود دارد. دادگاه‌های بریتانیا موضع خود را در مورد ماهیت حقوقی این صندوق بیان کردند. رویه قضایی انگلستان قبلاً در نظر گرفته بود که MIB یک موسسه حقوق خصوصی است که با توجه به نفوذ دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، در حال حاضر موضع متفاوتی حاکم شده است. دادگاه‌های بریتانیا استدلال‌های نهاد قضایی اروپایی را پذیرفتند. اکنون آن‌ها معتقدند که MIB موضوع قانون عمومی - نشأت گرفته از دولت است. این دیدگاه در قوانین بریتانیا اجرا شده است و پس از برگزیت کنار گذاشته نخواهد شد (Radovanović, 2022)

2. Motor Insurers' Bureau

3. Uninsured Drivers' Agreement

4. Automated and Electric Vehicles Act 2018

حقوقی بریتانیا در آستانه یک تحول اساسی دیگر قرار دارد. قانون وسایل نقلیه خودکار و الکتریکی ۲۰۱۸، برخلاف قوانین سنتی مسئولیت رانندگی، مسئولیت را از سطح راننده انسانی فراتر برده و امکان جبران خسارت را از طریق بیمه خودروهای خودران پیش‌بینی کرده است. بر اساس این قانون:

۱. اگر یک وسیله نقلیه خودران در حالت رانندگی خودکار دچار تصادف شود، بیمه‌گر خودرو موظف به پرداخت خسارت است، حتی اگر هیچ راننده‌ای در کنترل خودرو دخالت نداشته باشد.
۲. در صورتی که نقص فنی نرم‌افزار یا به‌روزرسانی نامناسب از سوی تولیدکننده موجب تصادف شود، بیمه‌گر می‌تواند پس از پرداخت خسارت، علیه سازنده یا تأمین‌کننده فناوری خودران اقامه دعوی کند.
۳. این قانون همچنین فهرستی از خودروهای تأییدشده به‌عنوان خودران را مشخص می‌کند، به این معنا که تنها خودروهایی که در این فهرست ثبت شده‌اند، تحت پوشش این قانون قرار می‌گیرند.

با وجود پیشرفت‌هایی که این قانون در تعیین چارچوبی برای جبران خسارت ارائه داده است، همچنان چالش‌های قابل‌توجهی در این زمینه وجود دارد (Goudkamp, 2024).

۲-۳. اداره جبران خسارت در نظام حقوقی انگلستان

اگر مجرم قادر به جبران خسارت نباشد و دادگاه مال یا منبع درآمدی از او نیابد، جبران خسارت باید از منابع دولتی انجام شود. در برخی موارد، دولت غرامت فرعی پرداخت می‌کند، به این معنا که هرگونه غرامت دریافتی دیگر از مبلغ پرداختی دولت کسر خواهد شد. (Garvin & LeClair, 2014)

قربانی قادر است که از دولت درخواست جبران خسارت نماید. دولت عمدتاً برای صدمات شخصی غرامت پرداخت می‌کند. به عنوان مثال، هزینه‌های پزشکی، آسیب‌های دائمی و جبران درد و رنج از جمله این موارد است. در برخی موارد، می‌توان غرامتی نیز برای رنج روحی دریافت کرد. غرامت دولتی از خزانه‌داری دولت مطالبه می‌شود (Morris, 2023).

سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا در حیطه حقوق خصوصی و حقوق عمومی نیز دولت با شرایطی مسئول جبران خسارت می‌باشد؟ در نظام حقوقی انگلستان، دولت نقش مهمی در جبران خسارت ناشی از تخلفات حقوقی ایفا می‌کند و در عین حال تلاش دارد از تحمیل هزینه‌های اضافی بر منابع عمومی جلوگیری کند. به همین منظور، قوانین تأمین اجتماعی ۱۹۸۹^۱ و ۱۹۹۷^۲ چارچوبی را برای بازپس‌گیری مزیای پرداخت‌شده به قربانیان آسیب‌های شخصی از متهمان

۱ - پیش از تصویب قانون تأمین اجتماعی ۱۹۸۹، دولت هزینه‌های درمانی و رفاهی قربانیان آسیب‌های شخصی را پرداخت می‌کرد، اما امکان بازبایی این هزینه‌ها از متهمان وجود نداشت. این مسئله باعث می‌شد که ۱- متهمان بدون پرداخت کامل خسارت از مسئولیت فرار کنند، ۲- دولت نتواند مبالغ پرداختی را بازبایی کند و ۳- فشار مالی بر منابع عمومی افزایش یابد. قانون ۱۹۸۹ این مشکل را حل کرد و چارچوبی قانونی برای بازپس‌گیری هزینه‌های تأمین اجتماعی از متهمان ایجاد نمود (Lewis, 2012).

۲ - قانون تأمین اجتماعی ۱۹۹۷ برای بهبود بازبایی هزینه‌ها از متهمان تصویب شد و تغییرات کلیدی ایجاد کرد: ۱- تشکیل واحد بازبایی غرامت (CRU) زیر نظر (DWP) برای بازگرداندن مزیای به خزانه، ۲- اولویت پرداخت بدهی دولت قبل از غرامت قربانی، ۳- گسترش مزیای به هزینه‌های درمانی و ناتوانی، ۴- الزام بیمه‌گران به تسویه بدهی دولت پیش از پرداخت غرامت، و ۵- کاهش فشار مالی بر دولت با مطالبه مستقیم هزینه‌ها از مسئولان آسیب (همان منبع).

ایجاد کرده‌اند. پیش از این اصلاحات، متهمان می‌توانستند بدون پرداخت کامل خسارت از مسئولیت فرار کنند، در حالی که دولت هزینه‌های درمانی و مزایای تأمین اجتماعی قربانیان را متقبل می‌شد. با اجرای این تغییرات، نهادی دولتی مسئول بازپایی مزایا و بازگرداندن آن‌ها به خزانه شد تا از حمایت غیرمستقیم متهمان جلوگیری کند. قربانیان از منابع دولتی و خصوصی غرامت بیشتری دریافت می‌کنند و دولت علاوه بر تأمین مزایا، در دعاوی ذی‌نفع است. این روند با کاهش هزینه‌ها، وابستگی به منابع عمومی را کم کرده و تعامل قانون جرم و دولت رفاه را نشان می‌دهد (Lewis, 2012).

در نظام حقوقی انگلستان، دولت مانند افراد خصوصی مسئول جبران خسارت ناشی از تخلفات حقوقی است. این رویکرد، استانداردهای یکسانی را برای نهادهای دولتی و اشخاص خصوصی تعیین کرده و مسیر مطالبه خسارت را شفاف‌تر می‌سازد. علاوه بر پرداخت خسارت در دعاوی حقوقی، دولت از طریق روش‌های غیرمشاجره‌ای مانند میانجی‌گری و حمایت‌های مالی نیز به جبران خسارت کمک می‌کند. در نتیجه، دولت هم به‌عنوان طرف مسئول در دعاوی مدنی و هم به‌عنوان نهادی حمایت‌کننده عمل کرده و تعادلی میان مسئولیت و حمایت از قربانیان ایجاد می‌کند (Bell, 2013).

برای دریافت خسارت از دولت، بزه‌دیده جرم (مجنی علیه) باید دو اقدام ضروری انجام دهد:

۱. ارائه گزارش تحقیقات اولیه پلیس یا سایر اظهارات معتبر: بزه‌دیده باید گزارش‌های تحقیقات اولیه پلیس یا هر نوع اظهارات معتبر دیگری که جزئیات توالی وقایع جرم را شرح می‌دهد، به مراجع جبران خسارت کیفری تسلیم کند. این گزارش‌ها باید شامل شواهد کافی و اطلاعات محکمه‌پسند در مورد وقوع جرم باشند.
۲. ارائه بیانیه‌ای از میزان خسارت وارده: بزه‌دیده باید بیانیه‌ای دقیق و مستند در خصوص میزان خسارت جسمی، روانی یا مالی وارد شده بر اثر جرم، به مرجع دولتی مربوطه تسلیم کند (Miers, 2018).

در انگلستان، اداره جبران خسارت‌های ناشی از جرائم (CICA)^۱ نقشی مشابه با نهادهای موجود در ایران برای جبران خسارت‌های بدنی دارند. در انگلستان، «اداره جبران خسارت‌های ناشی از جرائم» نقش مشابه بیت‌المال در ایران را دارد. هدف این نهاد، ارائه خدمات منصفانه به قربانیان جرائم خشونت‌بار و جبران خساراتی است که دولت نتوانسته از آن جلوگیری کند. این اداره میزان خسارت را ارزیابی و تا حد امکان جبران می‌کند. یکی از منابع مالی آن، بازپس‌گیری مبالغ پرداختی از مرتکبان دارای تمکن مالی است، که نشان‌دهنده نقش قائم‌مقام آن در پرداخت خسارت است. سقف جبران خسارت برای هر فرد ۵۰۰ هزار پوند تعیین شده است (چگنی و همکاران، ۱۳۹۹).

۱- در نظام عدالت کیفری انگلستان و ولز، حمایت از قربانیان جرم اصل بنیادینی در سیاست‌گذاری اجتماعی است. اداره جبران خسارت‌های ناشی از جرائم (CICA)، تأسیس شده در ۱۹۶۴، مسئول اجرای طرحی است که در سال ۲۰۱۲ بازنگری شد و با هدف جبران آسیب‌های جسمی و روانی قربانیان جرائم خشونت‌آمیز و جنسی طراحی شده است. تأمین مالی این طرح از طریق مالیات‌دهندگان صورت می‌گیرد و تنها قربانیانی که بی‌تقصیر تشخیص داده شوند، واجد شرایط غرامت هستند. معیارهای ارزیابی شامل چهار بُعد است: ۱- شخصیت قربانی (افراد با قضاوت منفی ممکن است محروم شوند)، ۲- سوابق کیفری (برخی سوابق جنایی می‌توانند مانع دریافت غرامت شوند)، ۳- رفتار در زمان حادثه (تحریک یا دخالت در وقوع جرم می‌تواند بر صلاحیت تأثیر بگذارد)، و ۴- همکاری با نهادهای قضایی (همکاری مؤثر با پلیس و دادگاه‌ها شرط ضروری است). مفهوم بزه‌دیده ایده‌آل، فردی که کاملاً بی‌گناه و مستحق حمایت تلقی می‌شود، نقش مهمی در سیاست‌های CICA دارد. این چارچوب باعث شده بسیاری از قربانیان واقعی، به دلیل عدم تطابق با این تصویر آرمانی، از حمایت مالی محروم شوند (David, 2019).

در نظام حقوقی بریتانیا، دسترسی به غرامت قانونی برای قربانیان جرائم خشونت‌آمیز تحت نظارت مرجع جبران صدمات جنایی (CICA) قرار دارد. با این حال، یکی از محدودیت‌های اساسی این سیستم، محرومیت افراد دارای سوابق کیفری از دریافت غرامت است. این سیاست بر مبنای این فرض استوار است که سابقه کیفری فرد باید در ارزیابی شایستگی او برای دریافت غرامت در نظر گرفته شود. بررسی داده‌های مرتبط با شفافیت عملکرد CICA نشان می‌دهد که این سیاست به شکل قابل توجهی محدودیت‌های ساختاری برای قربانیان ایجاد کرده و باعث می‌شود بسیاری از آن‌ها صرفاً به دلیل داشتن سابقه کیفری از حمایت قانونی محروم شوند. این وضعیت منجر به شکل‌گیری نوعی پیامد جانبی سابقه کیفری می‌شود، به این معنا که گذشته کیفری فرد، حتی اگر ارتباطی به جرم ارتكابی علیه او نداشته باشد، همچنان بر حقوق وی تأثیر منفی می‌گذارد. پیامدهای اجتماعی و حقوقی این سیاست شامل موارد زیر است:

۱. بازتولید مفهوم قربانی ایده‌آل: سیستم جبران خسارت به گونه‌ای طراحی شده که تنها گروه خاصی از قربانیان، یعنی افرادی که هیچ‌گونه سابقه کیفری ندارند، واجد شرایط دریافت حمایت هستند. این رویکرد باعث می‌شود قربانیانی که از نظر اجتماعی یا قانونی در دسته‌بندی قربانی ایده‌آل قرار نمی‌گیرند، از حمایت محروم شوند.
۲. ایجاد شهروندان درجه‌دو: این سیاست افرادی که سابقه کیفری دارند را در جایگاه شهروندان فرودست قرار می‌دهد و آن‌ها را مستحق دریافت غرامت نمی‌داند. در نتیجه، این افراد نه تنها با تجربه جرم و آسیب‌های ناشی از آن روبه‌رو می‌شوند، بلکه از سوی سیستم قضایی نیز کنار گذاشته می‌شوند.
۳. قربانی شدن ثانویه: سیاست‌های سخت‌گیرانه CICA می‌توانند به قربانی شدن ثانویه منجر شوند، به این معنا که فردی که در اثر یک جرم دچار آسیب شده، نه تنها از سوی مجرم بلکه از سوی دولت نیز با بی‌عدالتی مواجه می‌شود. در بسیاری از موارد، سابقه کیفری قربانی هیچ ارتباطی با جرم ارتكابی علیه او ندارد، اما همچنان به‌عنوان معیاری برای رد درخواست غرامت در نظر گرفته می‌شود. این محدودیت‌ها، نه تنها عدالت کیفری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند، بلکه با ایجاد تبعیض ساختاری، اعتماد عمومی به نهادهای حقوقی را کاهش می‌دهند. از این رو، اصلاح این سیاست‌ها می‌تواند گامی در جهت دستیابی به یک سیستم عادلانه‌تر و شمول‌گراتر در حمایت از تمامی قربانیان جرائم خشونت‌آمیز باشد (Bradford-Clarke, Davies, & Henley, 2022).

در نظام حقوقی انگلستان، اگر عامل زیان فرار کند یا ناشناس باشد، اداره جبران خسارت غرامت قربانی را پرداخت کرده و در صورت شناسایی عامل، مبلغ را از او مطالبه می‌کند. این اداره خسارت‌های نفس، مادون نفس، و مالی را جبران می‌نماید. همچنین، در صورت عدم تمکن مالی عامل زیان یا نبود بیمه، اداره برای حمایت از قربانی مداخله می‌کند تا از آسیب بیشتر جلوگیری شود (Herring, 2022).

۳. شرایط جبران خسارت دولتی در نظام حقوقی ایران و انگلستان

۳-۱. عدم جبران کامل خسارت

در حقوق ایران، بیت‌المال و صندوق جبران خسارت‌های بدنی در صورت جبران‌نشدن خسارت، مسئول پرداخت آن هستند. صندوق، تنها در صورت احراز مسئولیت مدنی وسیله نقلیه متواری یا فاقد بیمه، غرامت می‌پردازد و در صورت جبران خسارت از سایر منابع، فرد حق مطالبه مجدد ندارد (درویشی، ۱۳۹۶). قانون‌گذاران برای جبران خسارت بدنی، نظام‌های جایگزین را پیش‌بینی کرده‌اند تا در صورت ناتوانی شخص خاطی یا بیمه‌گر، دولت خسارت را جبران کند. در

ایران، بیت‌المال و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی این نقش را دارند، در حالی که در انگلستان، اداره جبران خسارت‌های ناشی از جرائم و اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری این وظیفه را بر عهده دارند. ایران در پرداخت خسارت رویکرد سهل‌گیرانه‌تری دارد و بیشتر بر منشأ خسارت (مانند خطای قاضی یا قتل غیرعمد) تمرکز دارد، در حالی که انگلستان به شرایط و اوضاع حادثه توجه می‌کند (چگنی و همکاران، ۱۳۹۹).

در صورت بازداشت غیرقانونی به دلیل قصور قضایی، فرد می‌تواند از دولت مطالبه غرامت نماید یا درخواست درج حکم برائت در جراید را داشته باشد. اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری بر این حق تأکید دارند. دولت مسئول جبران خسارت‌هایی است که دستگاه قضایی (و نه اشخاص خصوصی) ایجاد کرده است. طبق آیین‌نامه ۱۳۹۵، این خسارت‌ها شامل مادی، معنوی و منافع ممکن‌الحصول می‌شود (صادق‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰).

اگر شخص وظایفی که بر عهده دارد به درستی انجام ندهد نوعی تقصیر مرتکب شده که، در صورت بروز زیان باید آن را جبران نماید اما اگر این فرد کارمند دولت بوده و عدم انجام وظیفه به دلیل نقص فنی و نقص در وسایل اداره باشد سازمان دولتی باید مسئولیت آن را بر عهده گیرد در یک پرونده پرچالش که، گروهی از مبتلایان به بیماری هموفیلی که نیازمند انتقال خون بوده و در اثر انتقال خون آلوده به بیماری هپاتیت سی محکوم گردید دادگاه تجدید نظر به این استدلال استناد کرده و وزارت بهداشت و سازمان انتقال خون را به جبران خسارت محکوم نمود در این رأی دادگاه تجدید نظر استدلال نمود که، «محتویات و مندرجات پرونده های کیفری که سابقاً رسیدگی شده، بدون توجه به نتیجه آراء صادر شده، مؤید وجود عیب و نقص ابزار و وسایل اداری دولت در ورود، تولید، کنترل و پخش فرآورده های خونی بوده است. ثالثاً: مطابق نظریه کمیسیون پزشکی قانونی و مستندات مضبوط در پرونده مبتلا بودن خواهان به بیماری هموفیلی و دریافت خون از سازمان انتقال خون و ابتلای نامبرده به ویروس هپاتیت C از سال ۱۳۸۵ محرز بوده است. هر چند راههای انتقال ویروس هپاتیت C مختلف است لیکن چون طریق متعارف انتقال بیماری مذکور، تزریق خون و فرآورده های خونی است و انتقال ویروس از طریق سایر روشها محل تردید است از طرفی در استفاده بیمار از فرآورده های خونی تردیدی وجود ندارد، در نتیجه وجود رابطه سببیت میان انتقال خون و ابتلای بیماری به ویروس هپاتیت C مفروض است و در مانحنفیه دلیل و مدرکی که مثبت تحقق روش دیگر انتقال ویروس و مؤید عدم وجود عیب در فرآورده های خونی باشد اقامه نگردیده است. رابعاً: در فقه اسلامی، دیه بدل از عضو نائت و نقص ناقص است و احکام مربوط به دیات ناظر به صدمات بدنی بوده و از مفهوم محتوای ادله و مواد قانونی نفی خسارات مالی وارده به زیان دیده از جمله هزینه های درمانی استفاده نمی شود و قواعد فقهی لاضرر و تسبیب، نفی عسر و حرج و اتلاف لزوم جبران خسارات دیگر را توجیه می کند. رأی اصداری شماره ۶-۵/۴/۱۳۷۵ هیأت عمومی دیوانعالی کشور نیز در تأیید استنباط و استدلال مذکور صادر شده است در نتیجه الزام تجدیدنظرخواهانها به پرداخت هزینه های متعارف درمان طبق نظر کارشناس، علاوه بر پرداخت ارزش صدمات جسمانی فاقد اشکال شرعی و قانونی است.» این رأی با توجه به نقص در ارائه خدمات از سوی دولت جبران خسارت او را الزامی به شمار آورد و در استدلال خویش به عرف استناد زیادی نمود^۱

۱. شماره دادنامه ۱۲۱۲، تاریخ ۲۱/۱۰/۱۳۹۲، شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران، برای دیدن متن کامل پرونده رجوع شود به، رای دادگاه درباره مطالبه خسارت معنوی ناشی از صدمات بدنی ..، ویکی حقوق، <https://wikihoghoogh.net>

تلاش دولت انگلستان برای جبران خسارت قربانیان جرم از دهه ۱۹۶۰ آغاز شد. این رویکرد بر تعهد اخلاقی دولت در قبال شهروندانی که به دلیل ناتوانی نظام عدالت کیفری در تأمین امنیتشان آسیب دیده‌اند، استوار است. وزارت کشور انگلستان نیز بر این مسئولیت تأکید دارد. اداره جبران خسارت‌های ناشی از جرائم و اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری، خسارت افرادی را جبران می‌کنند که راهکار قانونی دیگری برای جبران زیان ندارند. این نظام جایگزین صرفاً برای تأمین قربانیان است و نباید موجب انتفاع زیان‌زننده شود. (Deakin & Markesinis, 2008)

در حقوق کامن‌لا، از قرن‌ها پیش، رفتار فرد آسیب‌دیده که به وقوع آسیب یا ضرر خود کمک کرده بود، به عنوان مانعی برای دریافت غرامت در نظر گرفته می‌شد. این مفهوم به سؤال کلی‌تر سبب‌شناسی یا رابطه علت و معلول^۱ مرتبط بود، یعنی اگر فرد آسیب‌دیده در وقوع حادثه نقش داشته باشد، حق دریافت غرامت از او سلب می‌شود. به طور سنتی، حتی کمترین میزان سهل‌انگاری از سوی قربانی باعث ساقط شدن کامل حق شکایت و عدم دریافت غرامت می‌شد. این رویکرد به عنوان روش «همه یا هیچ»^۲ شناخته می‌شد، که در آن فرد آسیب‌دیده یا تمام غرامت را دریافت می‌کرد یا کاملاً محروم می‌شد. اما در قرن نوزدهم، این رویکرد تعدیل شد و میزان سهم هر طرف در وقوع حادثه مورد توجه قرار گرفت. در نتیجه، قاضی‌ها به جای رد کامل غرامت، بر اساس میزان سهل‌انگاری طرفین، خسارت را به طور معقول کاهش می‌دادند تا عدالت بهتر اجرا شود. در طول این تغییرات، هیئت منصفه^۳ که در محاکمات شرکت داشتند، با گذر از قاعده‌ی سخت‌گیرانه‌ی «همه یا هیچ»، قضات تمایل یافتند میزان خسارت را بر اساس مسئولیت طرفین کاهش دهند. این رویکرد منجر به شکل‌گیری مفهوم تقسیم مسئولیت شد که در پایان قرن نوزدهم به رسمیت شناخته شد. سرانجام، در سال ۱۹۴۵، قانون اصلاح سهل‌انگاری مشارکتی تصویب شد و امکان کاهش متناسب غرامت بر اساس میزان تقصیر هر طرف را فراهم کرد. این اصل همچنان در حقوق انگلستان اعمال می‌شود و نقشی کلیدی در تعیین غرامت در موارد سهل‌انگاری مشارکتی دارد.

۲-۳. عدم تأثیر بزه‌دیده در بروز زیان

در ایران، اصل بر جبران خسارت توسط بزه‌کار است و دولت فقط در موارد استثنایی مانند مواد ۴۷۳ و ۴۷۵ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مسئولیت دارد. اگر زیان‌دیده در حادثه مقصر باشد، مسئولیت دولت کاهش می‌یابد اما حذف نمی‌شود. همچنین، در صورت عمدی بودن حادثه (مانند خودکشی)، مسئولیت از بین می‌رود (چگنی و همکاران، ۱۳۹۹).

قاعده تقصیر مشترک^۴ در انگلستان به عنوان یک دفاع توسط واردکننده زیان تلقی می‌شود که به وسیله آن، زیان‌دیده به خاطر تقصیری که مرتکب شده، از دریافت خسارت محروم می‌گردد. قاعده «تقصیر مشترک» در کامن‌لا بیان می‌دارد که

^۱ - Causation

^۲ - All-or-Nothing approach

^۳ - Juries

^۴ - قانون سهل‌انگاری مشارکتی ۱۹۴۵ انگلستان با هدف توزیع عادلانه مسئولیت، میزان غرامت را در صورت تقصیر آسیب‌دیده کاهش می‌دهد. پیش از آن، حتی مشارکت جزئی فرد در حادثه، او را از دریافت غرامت محروم می‌کرد. این قانون میزان کاهش غرامت را متناسب با درصد تقصیر زیان‌دیده تعیین می‌کند. به این ترتیب، اگر فرد با سهل‌انگاری در وقوع حادثه نقش داشته باشد، جبران خسارت او به همان میزان کاهش می‌یابد. (Goudkamp & Nolan, 2023)

سهل‌انگاری (Negligence) از مفاهیم اساسی در حقوق مسئولیت مدنی است که در دعاوی حقوقی نقش کلیدی دارد. در حقوق انگلستان، اثبات سهل‌انگاری مستلزم احراز چهار عنصر است: **وظیفه مراقبت** (تعهد خواننده به رعایت استانداردهای مراقبتی)، **نقض وظیفه** (عدول از سطح معقول مراقبت)، **رابطه سببیت** (تأثیر مستقیم نقض وظیفه بر خسارت)، و **خسارت قابل جبران** (قابلیت پیش‌بینی زیان در زمان وقوع). تصویب قانون سهل‌انگاری مشارکتی ۱۹۴۵ موجب تقسیم عادلانه مسئولیت شد و مانع از محرومیت کامل زیان‌دیده در صورت مشارکت جزئی در حادثه گردید. این قانون، علاوه

در صورت تقصیر زیان دیده، حتی اگر جزئی باشد، او از مطالبه خسارت منع می‌شود، مگر در موارد عمدی. این قاعده که با اصل «تمام یا هیچ» شناخته می‌شود، امروزه تعدیل شده است. طبق قانون تقصیر مشترک ۱۹۴۵، مسئولیت بر اساس میزان تقصیر تقسیم می‌شود و زیان دیده از دریافت کل خسارت محروم نمی‌گردد. ماده ۱ این قانون تصریح می‌کند که در صورت تقصیر مشترک، دادگاه خسارت را به تناسب نقش زیان دیده کاهش می‌دهد. همچنین، ماده ۲۵ قانون جبران خسارت ناشی از جرم، صرفاً جبران خسارت را محدود می‌کند، نه اینکه آن را به طور کامل رد کند.

در حقوق انگلستان، دولت تنها زمانی غرامت پرداخت می‌کند که بزه دیده در وقوع زیان نقشی نداشته باشد. در غیر این صورت، غرامت محدود یا منتفی خواهد بود. زیان معنوی چون جنبه‌ی مادی ندارد، قاضی نمی‌تواند آن را دقیقاً محاسبه کند و مجبور است میزان آن را بر اساس درجه‌ی تقصیر مقایسه نماید. هرچه خطا سنگین‌تر باشد، خسارت بیشتر خواهد بود، اما این مبلغ عملاً جنبه‌ی تنبیهی می‌یابد، که با اصول مسئولیت مدنی و تمایز آن از مسئولیت کیفری ناسازگار است. (Carroll, 2010).

در نظام حقوقی انگلستان، تدارکات عمومی^۱ تحت نظارت دقیق قوانین و مقرراتی قرار دارد که رعایت آن‌ها برای نهادهای دولتی الزامی است. در صورتی که این نهادها در روند تأمین کالا و خدمات مرتکب تخلف شوند، شرکت‌های زیان دیده اگر در بروز زیان نقشی نداشته باشند می‌توانند برای مطالبه خسارت اقدام کنند. این دعاوی معمولاً بر مبنای حقوقی مانند نقض وظیفه قانونی، تخلف قراردادی (صریح یا ضمنی) و تخلف عمومی استوار هستند. خسارات قابل مطالبه ممکن است شامل هزینه‌های پیشنهادی، سود از دست رفته و جبران شانس‌های از دست رفته باشد. از آنجا که طرف دعوی در این دعاوی معمولاً نهادهای دولتی هستند، پرداخت خسارات در این موارد به نوعی جبران خسارت از سوی دولت محسوب می‌شود؛ بنابراین، بررسی دعاوی مرتبط با تدارکات عمومی و روش‌های کمی‌سازی خسارات، مستقیماً به مسئولیت دولت در جبران خسارت ارتباط پیدا می‌کند (Schebesta, 2016).

۳-۳. همکاری با دولت در مقابله با جرم

در حقوق انگلستان، جبران خسارت از سوی دولت منوط به همکاری مجنی علیه با پلیس است. قربانی باید جرم یا حادثه را گزارش داده و در شناسایی مقصر همکاری کند، در غیر این صورت، جبران خسارت با مشکل مواجه می‌شود. قانون‌گذار برای گزارش جرم مهلتی تعیین کرده و در ارزیابی آن، شرایط فرد از جمله جنسیت و وضعیت جسمی و روحی را در نظر می‌گیرد (Goudkamp, 2018). ماده‌ی ۲۳ قانون جبران خسارت مجرمان، شاکی را ملزم می‌نماید که زیان ناشی از جرم را در زمان متعارف به پلیس گزارش داده و لازم است که با پلیس در جهت تحقیقات همکاری نماید. باید همکاری با پلیس برای کشف جرم و دستگیری مجرمان را انجام دهد (Article 23, Law Reform (Contributory Negligence) Act 1945).

بر تشویق افراد به احتیاط بیشتر، نقش مهمی در توسعه حقوق مسئولیت مدنی و اصلاحات بعدی در این حوزه داشت (همان منبع).

۱- تدارکات عمومی (Public Procurement) به فرآیند خرید کالا، خدمات و اجرای پروژه‌های عمرانی توسط نهادهای دولتی و سازمان‌های عمومی از بخش خصوصی گفته می‌شود. این فرآیند که معمولاً از طریق مناقصه یا مزایده انجام می‌شود، تحت نظارت قوانین و مقررات خاصی قرار دارد تا شفافیت، رقابت عادلانه و استفاده بهینه از منابع مالی عمومی را تضمین کند

۴. شرایط دادرسی به درخواست جبران خسارت از سوی دولت

۴-۱. زمان رسیدگی در زمان معین

در حقوق ایران، برخلاف انگلستان، مهلت مشخصی برای مطالبه جبران خسارت از دولت تعیین نشده است. زیان‌دیده یا وراث او می‌توانند در هر زمان پس از وقوع خسارت، دیه یا خسارت را از بیت‌المال یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مطالبه کنند، زیرا مرور زمان در این زمینه لحاظ نشده است.

در نظام حقوقی انگلستان، اگر زیان‌زننده قادر به جبران کامل خسارت نباشد، شاکی باید ظرف سه ماه درخواست جبران خسارت را از دولت ارائه دهد؛ در غیر این صورت، درخواست پذیرفته نمی‌شود. برای صدمات بدنی در تصادفات رانندگی، مهلت گزارش به پلیس ۱۴ روز و برای خسارت‌های مالی، ۵ روز است. در شرایط اضطراری، این مهلت‌ها قابل تمدید هستند (Mattsson, 2024).

سازمان جبران خسارت ملی انگلستان یا همان (CICA) در انگلستان، ولز و اسکاتلند از سال ۱۹۷۹ تأسیس شده و خسارت‌های بلاجبران ناشی از جرم را به مجنی‌علیه پرداخت می‌کند. برای طرح درخواست، جرم باید به پلیس گزارش شده و حداکثر دو سال از آن گذشته باشد. این سازمان رایگان است و علاوه بر جبران خسارت، خدمات مشاوره روانی ارائه می‌دهد. تصمیمات آن قابل تجدیدنظر بوده و مجنی‌علیه باید ظرف ۹۰ روز از صدور تصمیم، درخواست تجدیدنظر خود را ارائه دهد (Herring, 2022).

بر اساس ماده ۸۶ قانون جبران خسارت قربانیان جرم، افراد بالای ۱۸ سال باید ظرف دو سال از گزارش جرم به پلیس، درخواست جبران خسارت کنند. برای خسارت‌های بدنی در تصادفات موتوری، مهلت سه سال و برای خسارت‌های مالی، نه ماه است. طبق بند «b» ماده ۸۸ آیین‌نامه، اگر نماینده قانونی فرد زیر ۱۸ سال درخواست جبران خسارت نکرده باشد، او می‌تواند تا روز تولد ۲۰ سالگی خود این درخواست را ارائه دهد (Ashworth, 2021).

مسئولیت دولت در پرداخت غرامت محدود شده و در صورت سهم داشتن قربانی در زیان، غرامت کاهش یافته یا پرداخت نمی‌شود. طبق رویه‌های قربانیان جرم ۲۰۰۵، هیئت‌های جبران موظف‌اند ظرف ۲۰ روز به درخواست‌ها پاسخ دهند. در صورت رد یا کاهش غرامت، هیئت باید دلایل مستدل ارائه دهد و تصمیمات آن قابل تجدیدنظر است.

۴-۲. بروز جرم و خسارت در قلمروی جزایی ایران و انگلستان

در ایران، جبران خسارت‌های بدنی از بیت‌المال یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی محدود به اتباع ایرانی نیست. بر اساس اصل سرزمینی بودن قوانین (ماده ۵ قانون مدنی)، تمامی افراد حاضر در ایران، اعم از اتباع ایرانی یا خارجی، مشمول این حمایت هستند. بنابراین، افراد خارجی بدون اقامتگاه در ایران نیز در صورت وقوع ضرر بدنی ناروا، می‌توانند از این منابع خسارت دریافت کنند (چگنی و همکاران، ۱۳۹۹).

در نظام حقوقی انگلستان، دولت زمانی خسارت ناشی از جرم را جبران می‌کند که جرم در قلمروی آبی، هوایی، زمینی یا در حکم آن رخ داده باشد. علاوه بر این، دولت برخی هزینه‌های مرتبط با جرائم، مانند مخارج حضور شاهد در دادگاه را نیز تأمین می‌کند و دادستانی موظف است ظرف ۱۰ روز این هزینه‌ها را پرداخت کند. بر اساس مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۳ آیین‌نامه

جبران خسارت‌های ناشی از جرائم، زیان‌دیده برای دریافت خسارت از اداره جبران خسارت‌ها باید حداقل یکی از شرایط زیر را داشته باشد:

- الف) در هنگام وقوع حادثه‌ی موجب زیان، مقیم بریتانیا باشد.
 - ب) تبعه یکی از کشورهای واقع در بریتانیا (انگلستان، ولز، اسکاتلند و ایرلند شمالی) باشد.
 - ج) رابطه‌ی خانوادگی نزدیک با یکی از اتباع کشورهای فوق‌الذکر داشته باشد.
 - د) تبعه یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا یا منطقه اقتصادی اروپا باشد.
 - ه) تبعه یکی از کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی جبران خسارت قربانیان جرائم خشن مصوب ۱۹۸۳ باشد.
 - و) یکی از اعضای ارتش بریتانیا باشد.
 - ز) پناهنده به بریتانیا بوده و درخواست خود را مطابق با قوانین مهاجرتی انگلستان ارائه کند (Esly, 2023).
- در انگلستان، جبران خسارت دولت مشروط به عدم تقصیر قربانی و وقوع جرم در کشور است. طبق قانون ۱۹۴۵، مشارکت قربانی در زیان، غرامت را کاهش داده یا حذف می‌کند. صندوق عسر و حرج (۲۰۱۲) نیز از قربانیان ازکارافتاده حمایت می‌کند. در ایران، برخلاف انگلستان، مطالبه خسارت از بیت‌المال یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی محدودیت زمانی ندارد و شامل اتباع خارجی است.

نتیجه‌گیری

جبران خسارت ناشی از جرم یکی از اصول اساسی در نظام‌های حقوقی است که هدف آن بازگرداندن بزه‌دیده به وضعیت پیش از وقوع جرم و حفظ عدالت اجتماعی است. در آموزه‌های اسلامی نیز بر لزوم جبران کامل خسارت تأکید شده تا هیچ‌کس زیانی بدون جبران نماند. حقوق ایران و انگلستان نیز با بهره‌گیری از اصول عدالت محور، نظام‌هایی را برای جبران خسارت بزه‌دیدگان تدوین کرده‌اند که در عین دارا بودن تفاوت‌های اجرایی، اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند. در نظام حقوقی ایران و انگلستان، جبران خسارت باید متناسب با شرایط بزه‌دیده، جرم و جامعه باشد. در صورت ناتوانی مجرم از پرداخت، دولت می‌تواند در شرایطی خاص، از جمله عدم تقصیر بزه‌دیده و اثبات بلاجبران ماندن خسارت، حمایت کند. در انگلستان، برای گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان، مهلت‌های بیشتری برای درخواست غرامت در نظر گرفته شده و تابعیت و محل وقوع جرم از شروط کلیدی بهره‌مندی از حمایت دولتی است. با این وجود، همچنان چالش‌های جبران خسارت دولتی در دو نظام مذکور قابل مشاهده است. وجوه اشتراک دو نظام شامل این است که هر دو نظام حقوقی اصل جبران خسارت را به عنوان بخشی از فرآیند عدالت کیفری می‌پذیرند و در هر دو کشور، حمایت از بزه‌دیدگان در مواردی که مجرم شناسایی نشده یا توانایی پرداخت ندارد، امکان‌پذیر است. همچنین، توجه به شرایط ویژه بزه‌دیدگان، از جمله کودکان یا افراد آسیب‌پذیر، در قوانین هر دو کشور منعکس شده است. از سوی دیگر، وجوه افتراق دو نظام نیز شامل تفاوت‌هایی در ساختار نهادی است؛ در انگلستان نهادهایی مانند CICA و MIB به طور مشخص و مستقل مسئول پرداخت خسارت هستند، در حالی که در ایران چنین نهاد مستقلی وجود ندارد و جبران خسارت دولتی تنها در شرایط خاص و محدود امکان‌پذیر است. علاوه بر این، نظام انگلستان دامنه گسترده‌تری برای حمایت از بزه‌دیدگان دارد، در حالی که در ایران جبران خسارت عمدتاً محدود به مواردی مانند فرار، فوت یا عدم توانایی مالی مجرم یا عاقله است. در انگلستان، فعالیت نهادهایی مانند MIB با ساختار مشخص و مستمر همراه است، اما در ایران خلأ قانون‌گذاری در این حوزه به چشم می‌خورد. همچنین، انگلستان برای ارائه درخواست غرامت مهلت‌های مشخصی مانند ۹ ماه برای جرائم مالی تعیین کرده است، در حالی که در ایران چنین محدودیت زمانی مدونی وجود ندارد که می‌تواند موجب تضییع حقوق قربانیان شود. در نهایت، فرآیندهای جبران خسارت در انگلستان علی‌رغم چالش‌هایی که وجود دارد، تا حدی دیجیتال‌سازی شده‌اند و استفاده از فناوری در حال گسترش است، در حالی که ایران هنوز به این مرحله نرسیده است. لذا برای بهبود وضعیت جبران خسارت در حقوق ایران و انگلستان و ارتقای عدالت کیفری، موارد زیر به عنوان پیشنهاد مطرح می‌گردد:

۱. در نظام حقوقی انگلستان، اصلاح معیارهای بی‌تقصیری در اداره جبران خسارت دولتی (CICA) ضروری است تا محدودیت‌های فعلی که بزه‌دیدگان را به تعاریف سخت‌گیرانه‌ای از «بزه‌دیده ایده‌آل» مقید می‌کند، برطرف شوند. همچنین، پیشنهاد می‌شود سقف مبلغ پرداختی این سازمان افزایش یابد تا حمایت بیشتری از بزه‌دیدگان، به‌ویژه در زمینه جبران خسارات معنوی، فراهم شود. این اصلاحات می‌تواند به بهبود عدالت ترمیمی و تأمین حقوق بزه‌دیدگان در این نظام کمک کند.

۲. تدوین و تصویب یک قانون مشخص برای MIB به جای آنکه MIB صرفاً بر اساس توافقات اجرایی با دولت فعالیت کند، باید به یک نهاد قانونی تحت نظارت پارلمان تبدیل شود. این قانون می‌تواند دامنه مسئولیت‌های این نهاد، حقوق قربانیان، روند رسیدگی به ادعاها و نحوه تأمین مالی آن را به وضوح مشخص کند.
۳. افزایش نظارت پارلمانی بر MIB: ایجاد یک کمیته نظارتی در پارلمان که عملکرد و تصمیمات MIB را بررسی کند. این نظارت می‌تواند به جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، عدم شفافیت در پرداخت خسارات و سخت‌گیری‌های غیرضروری در بررسی ادعاها کمک کند.
۴. ایجاد یک نهاد مستقل برای رسیدگی به شکایات علیه MIB: در حال حاضر، بسیاری از افراد از روند تصمیم‌گیری MIB شکایت دارند، اما مسیرهای حقوقی برای اعتراض به این تصمیمات محدود است. ایجاد یک نهاد مستقل، مانند دادگاه ویژه رسیدگی به دعاوی بیمه‌ای، می‌تواند به قربانیان اجازه دهد که در صورت رد شدن درخواستشان، به صورت قانونی اعتراض کنند.
۵. علی‌رغم ساده‌سازی نسبی، فرآیند قانون‌بازایی مزایا ۱۹۹۷ همچنان شامل مراحل اداری پیچیده‌ای است که ممکن است باعث تأخیر در وصول مطالبات شود. ایجاد یک سیستم دیجیتال یکپارچه برای نظارت و پردازش سریع‌تر مطالبات، همچنین استفاده از هوش مصنوعی برای ارزیابی اولیه پرونده‌ها می‌تواند به کاهش زمان و هزینه‌های اداری کمک کند.
۶. الزام متهمان به پرداخت بدهی‌های دولتی قبل از پرداخت غرامت به قربانی می‌تواند برای افراد یا شرکت‌هایی که توان مالی محدودی دارند، مشکل‌ساز شود و منجر به پرونده‌های طولانی‌مدت قضایی گردد. ایجاد یک سازوکار پرداخت اقساطی یا تشکیل صندوق حمایتی برای موارد خاص می‌تواند به کاهش فشار مالی و تسریع پرداخت‌ها کمک کند.
۷. از زمان تصویب این قانون در سال ۱۹۹۷، تغییرات عمده‌ای در هزینه‌های زندگی، ساختارهای بیمه‌ای و حمایت‌های تأمین اجتماعی رخ داده است که ممکن است کارایی قانون را کاهش داده باشد. انجام بازنگری‌های دوره‌ای در قانون برای به‌روزرسانی آن بر اساس تغییرات اقتصادی و اجتماعی، همچنین مشورت با متخصصان اقتصادی و اجتماعی برای اصلاح و بهینه‌سازی مفاد آن ضروری است.
۸. روند اداری برای تأیید و پرداخت غرامت به قربانیان ممکن است طولانی باشد، که این مسئله فشار روانی و مالی بیشتری بر آسیب‌دیدگان وارد می‌کند. استفاده از سیستم‌های دیجیتال و هوش مصنوعی برای پردازش سریع‌تر درخواست‌ها، همچنین ایجاد یک سامانه خودکار برای پیگیری وضعیت پرونده‌ها می‌تواند روند بررسی و پرداخت را تسریع کند.
۹. در حقوق ایران، جبران خسارت دولتی تنها در مواردی مانند فرار یا ناشناس بودن مجرم، عدم تمکن مالی او یا نبود عاقله امکان‌پذیر است، در حالی که در نظام‌هایی مانند انگلستان دامنه حمایت گسترده‌تر است. این محدودیت

- موجب می‌شود بسیاری از قربانیان بدون حمایت مالی باقی بمانند. برای رفع این مشکل، می‌توان با گسترش دامنه شمول جبران خسارت دولتی، ایجاد صندوق حمایت از قربانیان، اصلاح قوانین مرتبط با مسئولیت دولت و توسعه بیمه‌های اجتماعی، حمایت بهتری از آسیب‌دیدگان جرائم فراهم کرد و دسترسی به عدالت را بهبود بخشید.
۱۰. در حقوق ایران، برخلاف انگلستان، سازمان مشخصی برای جبران خسارت دولتی وجود ندارد تا زیان‌دیدگان در صورت عدم امکان دریافت خسارت از مجرم، بتوانند درخواست حمایت کنند. این ضعف ساختاری باعث محرومیت بسیاری از قربانیان از حقوق خود می‌شود. برای حل این مشکل، می‌توان با ایجاد یک نهاد مستقل برای جبران خسارت، تأمین منابع مالی از طریق بودجه عمومی یا جرائم کیفری، و تدوین قوانین شفاف، دسترسی زیان‌دیدگان به حمایت‌های دولتی را بهبود بخشید.
۱۱. در حقوق ایران، برخلاف انگلستان، زمان مشخصی برای درخواست جبران خسارت دولتی تعیین نشده است، که این امر موجب سردرگمی زیان‌دیدگان و ایجاد موانع در دریافت خسارت می‌شود. در حالی که در انگلستان برای جرائم مالی ۹ ماه و برای تصادفات ۶ ماه مهلت تعیین شده، نبود چنین قاعده‌ای در ایران می‌تواند به تضییع حقوق قربانیان بیانجامد. برای رفع این مشکل، لازم است قانون‌گذار با تعیین مهلت‌های مشخص و شفاف برای ارائه درخواست، روند جبران خسارت را تسهیل کرده و از تضییع حقوق زیان‌دیدگان جلوگیری کند.

منابع

منابع فارسی

الف) کتب

- ۱- اعتمادی، امیر (۱۳۹۵). جبران خسارت ناشی از جرم. تهران: میزان، چاپ اول.
- ۲- خالقی، علی (۱۴۰۲). آئین دادرسی کیفری (جلد اول). تهران: شهر دانش، چاپ چهل و هفتم.
- ۳- درویشی، عباس (۱۳۹۶). جبران خسارت حاصل از جرم. تهران: قانون یار، چاپ اول.
- ۴- صادقی، محمدهادی (۱۳۹۵). جبران خسارت ناشی از جرم. تهران: میزان، چاپ اول.
- ۵- عبادی بشیر، مقصود (۱۴۰۲). نظام حقوقی جبران خسارات ناشی از حوادث رانندگی. تهران: مجد، چاپ دوم.
- ۶- نور بها، رضا (۱۴۰۱). زمینه حقوق جزای عمومی. تهران: میزان، چاپ سوم.
- ۷- شاهچراغ، سید حمید (۱۴۰۳). شبکه سازی قانون ایین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲؛ با اصلاحات و الحاقات بعدی)، مشهد: سروطلایی، چاپ پنجم.

ب) مقالات

- ۸- امیریان فارسانی، امین (۱۴۰۱). «راهبردها و ضوابط حاکم بر جبران خسارت ناشی از جرم». آرا، (۲۵): ۱۶-۲۶.

- ۹- چگنی، مهدی. بهرام پوری، رسول. سیاه بیدی کرمانشاهی، سعید (۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی نظام‌های جایگزین پرداخت خسارت‌های بدنی در حقوق ایران و انگلستان». پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، (۲۳): ۶۱-۹۳.
- ۱۰- رحمانی، محمد. زروندی، نفیسه (۱۳۹۲). «تحلیلی بر جایگاه بیت‌المال از منظر فقه». معرفت سیاسی، (۱۰): ۲۹-۴۹.
- ۱۱- صادق نیا، مریم. محمد نسلی، غلامرضا. خواجه‌نوری، یاسمن (۱۴۰۰). «راهکارهای ترمیم آسیب‌های معنوی ناشی از جرم در حقوق ایران و حقوق تطبیقی». پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۹ (۱۸): ۳۰۳-۳۲۵.
- ۱۲- فرهانی، احمد. اسفندیار پور، محمد حسین (۱۳۹۶). «مسئولیت مدنی ناشی از حوادث وسایل نقلیه در پرتو قانون جدید بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵». دو فصلنامه علمی تخصصی آموزه‌های حقوقی گواه، ۳ (۱): ۵-۳۸.
- ۱۳- قسمتی تبریزی، علی (۱۳۹۴). «اصل جبران کامل زیان». مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۷ (۱۳): ۱۳۵-۱۷۴.
- ۱۴- کافی، مصطفی. شکرچی زاده، محسن. توکلی، احمدرضا (۱۴۰۱). «پرداخت غرامت به بزه دیده در جرائم غیر عمد موجب دیه با نگاهی به فقه و حقوق فرانسه». فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ۴ (۱): ۹۲-۱۱۳.
- ۱۵- حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۸۵). «از جبران خسارت بزه دیده توسط بزهکار تا جبران خسارت توسط دولت». فقه و حقوق، شماره ۹: ۹۵-۱۲۲.
- ۱۶- حاجی ده آبادی [احمد (۱۴۰۰)]، «کاوشی نو در ماهیت دیه از منظر فقه اسلامی». پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۷، شماره ۲، ۳۵۷-۳۸۲.

منابع انگلیسی

الف) کتب

- 17- Ashworth, Andrew (2021). *Punishment and Compensation: Victims, Offenders and the State*. U.K., Oxford University Press.
- 18- Carroll, Robyn (2010). *Beyond Compensation: Apology as a Private Law Remedy*. Toronto, Canada: Irwin Law Inc.
- 19- Deakin, Simon & Markesinis, Basil (2008). *Tort Law*. 6th Edition, Oxford.
- 20- Edwards, Ian & Allen, Michael (2023). *Criminal Law*. Oxford University Press, 17th edition.
- 21- Fuller, L. L. (1969). *The Morality of Law: Revised Edition*. Yale University Press.
- 22- Goudkamp, J. (2024). *Automated Vehicle Liability and AI*. Cambridge University Press, pages 172-188.
- 23- Goudkamp, James & Katsampouka, Eleni (2018). *Punitive Damages in Action*. Oxford Law.
- 24- Hali (2022). *Criminal Injuries Compensation Claims*. Law Book, Criminal Law School, 1st edition.
- 25- Herring, Jonathan (2022). *Criminal Law: Text, Cases, and Materials*. Oxford University Press, 9th edition.
- 26- Meg Garvin, J.D. & LeClair, Sara H. (2014). *Victim Law*. Criminal Law School, 11th edition.
- 27- Miers, David (2018). *Criminal Injuries Compensation: State and Offender Compensation for Violent Crime*. Oxford University Press, 1st edition.
- 28- Mattsson, Lina (2024). *Damages in tort claims—recovery and assessment*. LexisNexis.

- 29- Bell, J. (2013). «La responsabilité de l'administration en droit anglais : caractéristiques générales, torts et compensation». 147(3), pages 691-704.
- 30- Bradford-Clarke, L., Davies, R. M. & Henley, A. (2022). «When 'Ideal Victim' Meets 'Criminalised Other': Criminal Records and the Denial of Victimisation». *Probation Journal*, 69(3), pages 353-372.
- 31- Channon, M. (2020). «The Nature of the Motor Insurers' Bureau and Its Agreements: Time for a Radical New Approach?». 7(2), pages 168-200.
- 32- Edwards, Ian (2004). «An Ambiguous Participant: The Crime Victim and Criminal Justice Decision-Making». *The British Journal of Criminology*, Vol. 44, No. 6, pages 967-982.
- 33- Ferris, K. & Marson, J. (2017). «Motor Vehicle Insurance Law: Ignoring the Lessons from King Rex». *Business Law Review*, 38(5), pages 178-186.
- 34- Lewis, R. K. (2012). «Recovery of State Benefits from Tort Damages: Legislating for or Against the Welfare State?». *Social Science Research Network*.
- 35- Miers, David (2019). «Victims, Criminal Justice and State Compensation». 9(2), pages 29-49.
- 36- Morris, Michael (2023). «Defining 'Victim' Through Harm: Crime Victim Status in the Crime Victims' Rights Act and Other». *University of Utah College of Law Research Paper No. 537*, pages 1-20.

37- Radovanović, M. (2022). «Motor Insurers' Bureau: Guarantee Fund in the United Kingdom». *Strani Pravni Život*, 1, pages 153-166.

38- Schebesta, H. (2016). «Case Study: The United Kingdom». In *Damages in EU Public Procurement Law*. Springer, Cham, pages 95-116.

39- van Dongen, E. G. D. & Verdam, H. P. (2016). «The Development of the Concept of Contributory Negligence in English Common Law». *Utrecht Law Review*, 12(1), pages 61-74.

ج) گزارش‌ها و اسناد

40- Cica (2022). *The Hardship Fund — a guide*. Criminal Injuries Compensation Authority and Ministry of Justice.

41- Cica (2024). *Compensation in criminal damages*. Criminal Injuries Compensation Authority, 1st edition. Edward

42- Esly, Markus (2023). *Flaux-ting the Rules: Punitive Damages in English Law*. University Press, 5th edition.

References

1. Amirian Farsani, A. (2022). " *Strategies and Governing Principles of Compensation for Damages Arising from Crime*." *Ara*, (25), 16-26. (In Persian).
2. Chegini, M., Bahrapouri, R., & Siahbeidi Kermanshahi, S. (2020). " *A Comparative Study of Alternative Systems for Compensation of Bodily Injuries in Iranian and English Law*." *Comparative Research on Islamic and Western Law*, (23), 61-93. (In Persian).
3. Darvishi, A. (2017). *Compensation for Damages Resulting from Crime*. Tehran: Ghanoun Yar Publications, First Edition. (In Persian).

4. Ebadi Bashir, M. (2023). *The Legal System of Compensation for Damages Resulting from Traffic Accidents*. Tehran: Majd Publications, Second Edition. (In Persian).
5. Etamadi, A. (2016). *Compensation for Damages Arising from Crime*. Tehran: Mizan Publications, First Edition. (In Persian).
6. Farahani, A., & Esfandiarpour, M. H. (2017). "Civil Liability Resulting from Vehicle Accidents in Light of the New Compulsory Insurance Law Enacted in 2016." *Gavah Legal Teachings*, 3(1), 5-38. (In Persian).
7. Ghasemi Tabrizi, A. (2015). "The Principle of Full Compensation for Damage." *Studies in Islamic Jurisprudence and Law*, 7(13), 135-174. (In Persian).
8. Haji Deh Abadi, A. (2006). "From Compensation of the Victim by the Offender to Compensation by the State." *Fiqh and Law*, (9), 95-122. (In Persian).
9. Haji Deh Abadi, A. (2021). "A New Exploration of the Nature of Diyah from the Perspective of Islamic Jurisprudence." *Jurisprudential Research*, 17(2), 357-382. (In Persian).
10. Kafi, M., Shakarchi Zadeh, M., & Tavakoli, A. R. (2022). "Compensation Payment to Victims in Non-Intentional Crimes Resulting in Diyah with a Focus on Islamic Jurisprudence and French Law." *Quarterly Journal of Economic Jurisprudence Studies*, 4(1), 92-113. (In Persian).
11. Khaleghi, A. (2023). *Criminal Procedure Law* (Vol. 1). Tehran: Shahr-e-Danesh, 47th Edition. (In Persian).

12. Noorbaha, R. (2022). *Foundations of General Criminal Law*. Tehran: Mizan Publications, Third Edition. (In Persian).
13. Rahmani, M., & Zarvandi, N. (2013). "An Analysis of the Position of Public Treasury (Bait al-Mal) from the Perspective of Islamic Jurisprudence." *Political Knowledge*, (10), 29-49. (In Persian).
14. Sadeghi, M. H. (2016). *Compensation for Damages Arising from Crime*. Tehran: Mizan Publications, First Edition. (In Persian).
15. Sadeghnia, M., Mohammadsali, G. R., & Khajenouri, Y. (2021). "Strategies for Repairing Moral Damages Resulting from Crime in Iranian and Comparative Law." *Research in Criminal Law and Criminology*, 9(18), 303-325. (In Persian).
16. Shahcheragh, S. H. (2024). *Structuring the Criminal Procedure Code (Enacted in 2013; with Subsequent Amendments and Additions)*. Mashhad: Sarv-e Talayi Publications, Fifth Edition. (In Persian).

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

State Compensation for Crime in the Legal Systems of Iran and England

Abstract

Compensation for crime-related harm is a key part of criminal justice., contributing to the restoration of the victim's condition and reinforcing public trust in the judicial system. According to principles recognized in advanced legal systems, the primary responsibility for compensation lies with the offender, who is obligated to redress the damages caused. However, in some cases, victims are unable to obtain compensation due to various circumstances. In such circumstances, the principle of victim protection necessitates state intervention through mechanisms such as compensation funds or insurance schemes. In Iranian law, the state's obligation to compensate through the public treasury is rooted in religious principles; that is, the treasury, as a matter of religious duty, is responsible for compensating victims in specific cases, even in the absence or after the death of the offender. By contrast, in the English legal system, state compensation has a protective and discretionary character, contingent upon governmental financial policies and available public resources. The state does not consider itself legally indebted to victims, but rather supports them within the framework of a charitable or welfare-based approach. This study adopts a comparative approach to examine state compensation for crime in the legal systems of Iran and England. The findings indicate that, in Iranian law, despite the emphasis on the necessity of compensation, the state's protective role is restricted to specific conditions such as the inability to identify the perpetrator, their escape, or financial incapacity. In contrast, the English legal system provides a broader scope of protection and, through the establishment of the Criminal Injuries Compensation Authority (CICA), offers specific support mechanisms for vulnerable groups.

Using a descriptive-analytical methodology, this research explores the role of the state in compensating crime victims within these legal frameworks, identifies the challenges in realizing this goal, and ultimately presents recommendations for improving compensation mechanisms and overcoming existing barriers.

Keywords:

Compensation, Compensation Challenges, Victim, Government, Government Compensation Office

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited